

ملاکی نبی حدود صد سال پس از حجی و زکریا می‌زیست. در این کتاب، او از کاهنان می‌خواهد تا وظایف خود را در قبال خانه خدا با صداقت و جدیت انجام دهند. در این زمان، بنای خانه خدا تکمیل شده بود، ولی مردم و حتی کاهنان نسبت به عبادت خداوند سست شده بودند. عده‌ای از مردم هدایا و ده یک درآمد خود را به خداوند تقدیم نمی‌کردند، و یا حیوانات معیوب را برای قربانی به خانه خدا می‌آوردند. ملاکی این عده را که با راستی و صداقت خداوند را عبادت نمی‌کنند سرزنش می‌کند و به آنان یادآور می‌شود که خدا آنان را تنبیه خواهد کرد، مگر اینکه آنان از کارهای زشت خود دست بردارند و توبه کنند.

در این کتاب ملاکی بجهت توصیف مطالب خود، پرسشهای بسیاری را مطرح می‌کند، از جمله اینکه: چرا خداوند ما را ترک گفته است؟ او از ما چه می‌خواهد؟ چگونه او را از خود خسته کرده‌ایم؟ هنگامی که او ظاهر شود چه کسی می‌تواند زنده بماند؟ مگر ممکن است انسان خدا را گول زند؟

در خاتمه کتاب خود، ملاکی از آمدن مسیح موعود خبر می‌دهد. او به مردم یادآور می‌شود که خداوند به فکر آنان است. کتاب ملاکی با این سخنان آغاز می‌شود: خداوند می‌فرماید: «من شما را همیشه دوست داشته‌ام!» و با وعده آمدن مسیح به پایان می‌رسد: «اما برای شما که ترس مرا در دل دارید، آفتاب عدالت با پرتو شغابخش خود طلوع خواهد کرد، و شما شاد و سبکیال مثل گوساله‌هایی که به چراگاه می‌روند، جست و خیز خواهید نمود.»

با کتاب ملاکی عهدعتیق به پایان می‌رسد، و جهان در انتظار آمدن مسیح چهارصد سال بدون پیامی از انبیا باقی می‌ماند. پس از این دوره «چهارصد سال سکوت»، یحیی نبی ظاهر می‌شود و عیسی مسیح را به عنوان بره‌ای که برای آمرزش گناه مردم دنیا قربانی می‌شود، به مردم معرفی می‌کند.

آباد کنند من دوباره ویرانش خواهم کرد. سرزمین آنها «سرزمین شرارت» خوانده خواهد شد و مردمشان به «قومی که خداوند آنها را هرگز نمی‌بخشد»، مشهور خواهند گردید.»

«ای قوم اسرائیل، وقتی با چشمان خود آنچه را که خداوند در سراسر دنیا انجام می‌دهد ببینید، خواهید گفت: «براستی که قدرت عظیم خداوند در آنسوی مرزهای ما نیز دیده می‌شود.»

سرزنش کاهنان

^۱ خداوند قادر متعال به کاهنان می‌فرماید: «پسر، پدر خود را و غلام، ارباب خویش را احترام می‌کند. پس اگر من پدر شما هستم احترام من کجاست؟ و اگر من ارباب شما هستم، حرمت من کجاست؟ شما نام مرا بی‌حرمت کرده‌اید. می‌گویید: «ما چگونه نام تو را

این است پیام خداوند که بوسیله ملاکی نبی به اسرائیل داده شد.

محبت خداوند نسبت به اسرائیل

^۲ خداوند می‌فرماید: «من شما را همیشه دوست داشته‌ام!»

ولی شما می‌گویید: «تو چگونه ما را دوست داشته‌ای؟» خداوند می‌فرماید: «من جد شما یعقوب را محبت نمودم، هر چند لایق محبت نبود، و به این ترتیب نشان دادم که شما را دوست دارم، ولی عیسو را که برادرش بود رد کردم و سرزمین کوهستانی او را ویران نمودم و آن را جای شغالهای بیابان ساختم.»

^۳ شاید ادومی‌ها که فرزندان عیسو هستند بگویند: «ما برمی‌گردیم و سرزمین ویران خود را دوباره آباد می‌کنیم.» ولی خداوند قادر متعال می‌گوید: «اگر آن را

همین حالا شما زیر لعنت هستید، زیرا اوامر مرا در دل خود جای نمی‌دهید.

^۳ «فرزندان شما را تنبیه می‌کنم و سرگین حیواناتی را که برایم قربانی می‌کنید به صورتتان می‌پاشم و شما را مثل سرگین بیرون می‌اندازم. ^۴ آنگاه خواهید فهمید به این دلیل چنین خطاری به شما کردم تا شما را بسوی قوانین و دستوراتی که به جدتان لاوی داده بودم، بازگردانم. ^۵ هدف از این قوانین این بود که به کاهنان نسل لاوی حیات و آرامش ببخشید تا ایشان با اجرای آنها نشان دهند که احترام و ترس مرا در دل دارند. ^۶ کاهنان نسل لاوی قوانین حقیقی را به قوم تعلیم می‌دادند. نه دروغ می‌گفتند و نه تقلب می‌کردند بلکه از راههای من پیروی نموده، آنچه را که راست بود بعمل می‌آوردند. آنها توانستند بسیاری را از راههای گناه‌آلود بازگردانند.

^۷ «کاهنان باید قوانین را تعلیم دهند تا مردم بتوانند خدا را بشناسند، زیرا کاهنان سخنگویان خداوند قادر متعال هستند و مردم باید برای راهنمایی پیش آنها بیایند؛ ^۸ ولی شما راههای خداوند را ترک کرده‌اید و با راهنماییهای خود بسیاری را از راه راست منحرف ساخته‌اید. شما قوانین کاهنان را شکسته‌اید. ^۹ بنابراین، من شما را در نظر مردم پست و خوار می‌گردانم، زیرا احکام مرا نگه نمی‌دارید و در اجرای قوانین، انصاف را رعایت نمی‌کنید.»

خیانت به خدا

^{۱۰} «آیا همه ما از یک پدر نیستیم؟ آیا همگی ما بوسیله یک خدا آفریده نشده‌ایم؟ پس چرا به یکدیگر خیانت می‌کنیم و عهدی را که خدا با پدران ما بست می‌شکنیم؟ ^{۱۱} مردم یهودا، در اورشلیم و در سراسر خاک اسرائیل به خدا خیانت ورزیده، گناه بزرگی مرتکب شده‌اند، زیرا مردان یهودا با گرفتن زنان بت‌پرست، خانه مقدس و محبوب خداوند را آلوده کرده‌اند. ^{۱۲} خداوند تمام کسانی را که چنین کرده‌اند خواه کاهن باشند، خواه غیرکاهن، از قوم خود اسرائیل اخراج خواهد کرد.

^{۱۳} شما قربانگاه خداوند را با اشکهای خود پر می‌کنید، زیرا دیگر خداوند هدایای شما را نمی‌پذیرد و برکتی به

بی‌حرمت کرده‌ایم؟» ^۷ شما هنگامی نام مرا بی‌حرمت می‌کنید که قربانی‌های ناپاک روی قربانگاه من می‌گذارید. بلی، با این کارتان مرا تحقیر می‌کنید. ^۸ حیوانات لنگ و کور و بیمار را برای من قربانی می‌کنید. آیا این قبیح نیست؟ اگر آن را به حاکم خود هدیه می‌کردید آیا او آن را می‌پسندید و از شما راضی می‌شد؟

^۹ «دعا می‌کنید و می‌گویید: "خداوند، بر ما رحم کن! خداوند، لطف تو شامل حال ما بشود!" ولی وقتی که چنین هدایایی می‌آورید، چطور انتظار دارید دعای شما را اجابت کنم؟»

^{۱۰} «خداوند قادر متعال می‌فرماید: «ای کاش یکی از شما کاهنان، درها را می‌بست تا چنین هدایایی روی قربانگاه من گذاشته نشود. از شما راضی نیستم و قربانی‌های شما را نمی‌پذیرم.

^{۱۱} «نام من در سراسر جهان بوسیله مردم غیریهود مورد احترام قرار خواهد گرفت و آنها به احترام نام من بخور خوشبو خواهند سوزانید و قربانی‌های پاک تقدیم خواهند کرد. آری آنها نام مرا با احترام فراوان یاد خواهند کرد. ^{۱۲} ولی شما نام مرا بی‌حرمت می‌سازید و قربانگاه مرا نجس می‌کنید، زیرا حیوانات معیوب بر آن می‌گذارید. ^{۱۳} می‌گویید: «خدمت کردن به خداوند کار مشکل و خسته کننده‌ای است»، و از دستورات من سرپیچی می‌کنید. حیوانات دزدیده شده، لنگ و بیمار برای من قربانی می‌کنید. آیا فکر می‌کنید من آنها را از دست شما قبول خواهم کرد؟ ^{۱۴} لعنت بر کسی که بخواهد مرا فریب دهد و با آنکه نذر کرده قوج سالمی از گله خود هدیه کند، حیوان معیوبی برای من قربانی نماید. من پادشاه عظیم هستم و مردم دنیا باید اسم مرا با ترس و احترام یاد کنند.»

۲ ای کاهنان، به این اخطار خداوند قادر متعال گوش دهید:

«اگر خود را اصلاح نکنید و نام مرا احترام ننمایید، شما را شدیداً مجازات خواهم کرد، و بجای اینکه شما را برکت دهم، شما را لعنت خواهم نمود. در واقع از

داد یعنی بضد جادوگران، زناکاران و دروغگویان، بضد تمام کسانی که حق کارگران خود را نمی‌دهند، و کسانی که به بیوه زنان، یتیمان و غریبان ظلم می‌کنند و از من نمی‌ترسند.»

دزدی از خدا

^۶خداوند قادر متعال می‌فرماید: «من خداوندی تغییرناپذیر هستم. به همین دلیل است که شما، ای نسل یعقوب، تابحال از بین نرفته‌اید. ^۷هر چند شما هم مثل پدران خود از احکام من سرپیچی نموده، آنها را به جا نیاورده‌اید، ولی اینک بسوی من بازگشت نمایید و من شما را خواهم بخشید. می‌گویید: مگر ما چه کرده‌ایم که باید بازگشت کنیم؟

^۸«آیا کسی از خدا دزدی می‌کند؟ ولی شما از من دزدی کرده‌اید!

می‌پرسید: مقصود چیست؟

«مقصود ده یک‌ها و هدایاست. ^۹ای قوم اسرائیل، همه شما ملعون هستید، زیرا از مال من می‌دزدید. ^{۱۰}ده یک دارایی خود را بطور کامل به خانه من بیاورید تا خوراک کافی در آنجا باشد. به این ترتیب مرا امتحان کنید و ببینید چگونه روزنه‌های آسمان را باز می‌کنم و شما را از برکات خود لبریز می‌سازم! ^{۱۱}من حشرات و آفات را از زمین شما دور می‌کنم تا محصولتان از بین نرود و تاکستانهایتان میوه فراوان بدهند. ^{۱۲}همه قوم‌ها شما را خوشبخت خواهند خواند، زیرا صاحب سرزمینی با صفا خواهید بود.»

^{۱۳}خداوند می‌فرماید که شما بضد او سخنان دروغ گفته‌اید؛ ولی شما به او می‌گویید: «بضد تو چه گفته‌ایم؟»

^{۱۴}«^{۱۵}گفته‌اید: «عبادت خدا و اطاعت از او بی‌فایده است. چرا برای اعمالمان باید به حضور خداوند برویم و اظهار پشیمانی کنیم؟ ببینید چطور آدم‌های متکبر خوشبخت زندگی می‌کنند و بدکاران کامیاب می‌شوند و با وجود اینکه مرتکب اعمال زشت می‌شوند خدا آنها را مجازات نمی‌کند!»

^{۱۶}آنگاه کسانی که ترس خداوند را در دل داشتند، با یکدیگر به گفتگو نشستند و خداوند به گفتگوی آنان

شما نمی‌دهد. ^{۱۷}می‌گویید: «چرا خداوند ما را ترک کرده است؟» دلیلش اینست که شما به همسران که در جوانی با وی پیوند وفاداری بسته بودید، خیانت کرده‌اید و خداوند که شاهد این پیوند بوده، خیانت شما را دیده است. ^{۱۸}خداوند شما را با یکدیگر پیوند داد و شما در نظر او یک تن شدید. حال، خدا از شما چه می‌خواهد؟ او می‌خواهد که فرزندان خداشناس داشته باشید. پس مواظب باشید که به همسر خود خیانت نکنید. ^{۱۹}خداوند، خدای اسرائیل می‌فرماید: «من از طلاق نفرت دارم، و نیز از اینکه کسی ظلم را همچون جامه به تن کند. پس مواظب روحهای خود باشید و از خیانت پرهیزید.»

روز داوری

^{۲۰}شما با حرفهایی که می‌زنید خداوند را خسته کرده‌اید!

می‌پرسید: «با کدام حرفها؟»

با این حرفها که می‌گویید: «خدایی که به انصاف داوری می‌کند کجاست؟ مثل اینکه او بدکاران را دوست دارد و از آنها راضی است!»

^{۲۱}خداوند قادر متعال می‌فرماید: «قاصد خود را می‌فرستم تا راه را برای من آماده کند. سپس خداوندی که انتظارش را می‌کشید ناگهان به خانه خود خواهد آمد. آن رسولی که شما مشتاق دیدارش هستید خواهد آمد و عهد مرا به شما اعلان خواهد کرد.»

اما کیست که یارای ایستادن در مقابل او را داشته باشد؟ و کیست که بتواند آمدنش را تحمل کند؟ زیرا او همچون آتش سوزانی است که فلز را تصفیه می‌کند و مثل صابونی است که کثیف‌ترین لباس‌ها را پاک می‌کند. ^{۲۲}او مانند کسی که فلز را تصفیه می‌کند کاهنان را همچون طلا و نقره پاک خواهد کرد تا آنها با دل پاک هدایا را به خداوند تقدیم کنند. ^{۲۳}آنگاه مثل گذشته، خداوند از هدایایی که مردم یهودا و اورشلیم برایش می‌آوردند خشنود خواهد شد.

^{۲۴}خداوند قادر متعال می‌فرماید: «من برای داوری به میان شما خواهم آمد و بضد بدکاران شهادت خواهم

شما شاد و سبکیال مثل گوساله‌هایی که به چراگاه می‌روند، جست و خیز خواهید نمود. ^۳ در آن روزی که من تعیین کرده‌ام، بدکاران را مثل خاکستر زیر پای خود له خواهید کرد.

^۴ «دستورات و قوانینی را که بر کوه سینا توسط خدمتگزار خود موسی به همه قوم اسرائیل دادم به یاد داشته باشید و از آن اطاعت کنید.

^۵ «پیش از فرا رسیدن روز بزرگ و هولناک داوری خداوند، من رسولی شبیه ایلای نبی برای شما می‌فرستم. ^۶ او دل‌های پدران و فرزندان را دوباره بهم نزدیک خواهد کرد و این باعث خواهد شد که من سرزمین شما را ویران نکنم.»

گوش داد و سخنان ایشان را شنید. سپس در کتابی که در حضور خداوند بود اسامی کسانی که ترس خداوند را در دل داشتند و نام او را گرامی می‌داشتند، نوشته شد. ^۷ خداوند قادر متعال می‌فرماید: «در آن روزی که من تعیین کرده‌ام، آنها قوم خاص من خواهند بود و همانطور که یک پدر، پسر مطیع خود را می‌بخشد، من نیز ایشان را خواهم بخشید. ^۸ آنگاه خواهید دید که خدا با اشخاص خوب و بد، با خدمتگزاران خود و آنانی که او را خدمت نمی‌کنند، چگونه رفتار می‌کند.»

فرا رسیدن روز داوری خداوند

خداوند قادر متعال می‌فرماید: «روز داوری مثل

تنوری شعله‌ور فرا می‌رسد و همه ^۹

اشخاص مغرور و بدکار را مانند کاه می‌سوزاند. آنها مانند درخت تا ریشه خواهند سوخت و خاکستر خواهند شد.

^{۱۰} «اما برای شما که ترس مرا در دل دارید، آفتاب عدالت با پرتو شفا بخش خود طلوع خواهد کرد، و